

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.



دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه دکتری تخصصی
رشته: مدرسی معارف اسلامی (گرایش مبانی نظری اسلام)

عنوان :

معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا

استاد راهنما

دکتر امیر دیوانی

اساتید مشاور

دکتر سید محمود موسوی

دکتر عسکری سلیمانی امیری

نگارش :

علیرضا دهقانپور

مهر ۱۳۹۰

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

چکیده

پاسخ به پرسش چیستی «معنای زندگی» جز از راه شناخت انسان ممکن نیست. معنای زندگی به هر سه معنای هدف، ارزش و کارکرد زندگی، در راستای وجود انسان، استعدادها و توانایی‌های اوست. ملاصدرا انسان‌شناسی را اصل و پایه‌ی همه‌ی معارف و پرسش‌های بنیادین می‌داند که بدون آن دیگر شناخت‌ها کامل نخواهد بود. انسان در میان سایر موجودات از امتیازات خاصی برخوردار است که منشأ آن، نفس ناطقه و عقل است. بنابراین ساختار وجودی انسان، ترکیبی از بدن و عقل است. انسان جامع طبیعت و ماوراء طبیعت است. جزء طبیعی انسان اگر زیر پوشش تدبیر عقل قرار نگیرد انسان را از کمال خود باز می‌دارد. عقل از بدن به منزله‌ی شرط حضور در طبیعت و به منزله‌ی ابزار، بهره‌برداری می‌کند. انسان به دلیل برخوردارگی از درک عقلی، به دنبال کشف حقیقت و معنای زندگی حرکت می‌کند. معنای زندگی انسان تابعی از وجود او و متناسب با وجود اوست. اگر وجود مختص انسانی، به قوه‌ی عقلی اوست، معنای زندگی نیز در رابطه با قوه‌ی عقلی مشخص می‌شود. قوه‌ی عقلی دو بعد نظری و عملی دارد. انسان در مقام عقل، خالی از غایت و هدف نیست. هدف ایده‌آل زندگی در نزد عقل، معرفت خداست. از این رو در صدد شناخت خدا و افعال او برمی‌آید. در این مسیر او به شناخت خود و جهان که فعل تکوینی خدا هستند می‌پردازد و سفرهای علمی و عملی چهارگانه را تنظیم می‌کند. این حرکت ارادی و وجودی انسان، وقتی به غایت می‌رسد که انسان به اراده و اختیار، تحت فرمان عقل به سوی خدا گام بردارد و در کنار او قرار یابد. ارزش زندگی انسان نیز در سایه‌ی ارتباط او با خدا و حرکت به سمت او تعیین می‌شود. بر اساس حرکت جوهری و ثابت نبودن مرتبه‌ی وجود انسان، بر خلاف دیگر ممکنات، انسان جایگاه معینی در مراتب وجود ندارد و از پایین‌ترین مقامات تا بالاترین درجات می‌تواند سیر داشته باشد. ملاصدرا ارزش انسان و زندگی او را در گرو رضایت الهی، کرامت انسانی، فطرت، عشق و جاودانگی می‌داند. کارکرد زندگی، با نقش عمده‌ی انسان در عالم هستی که نقش خلافت الهی اوست معین می‌شود. جانشینی انسان از خدا که با حقایقی همچون ولایت، امانت، وساطت در خلقت، غائیت خلقت و ... همراه است، جایگاه انسان را در دار هستی تعیین می‌کند. انسان اشرف مخلوقات است آفرینش عالم به خاطر اوست. نقطه‌ی مقابل این معنا، پوچی است؛ هر چند مادی‌گرایی و شکاکیت از عوامل اصلی پوچی است اما عواملی همچون مرگ و شرور از علل سوق به سمت پوچی است که در حکمت متعالیه نه تنها پوچی را نتیجه نمی‌دهند، بلکه از عوامل معناساز زندگی و از راه‌های رشد و تعالی انسان به شمار می‌روند. علم‌زدگی که از عوامل پوچی شمرده شده نه ثمره‌ی علم بلکه نتیجه‌ی کم‌ظرفیتی انسان و توقف در مراحل پایین عقل می‌باشد و در حکمت متعالیه که جمع برهان و عرفان و قرآن است هرگز جایی ندارد.

کلمات کلیدی: معنای زندگی، ملاصدرا، حکمت‌متعالیه، هدف‌زندگی، ارزش‌زندگی، کارکرد زندگی، پوچی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

تقدیم به

او که اگر نبود زندگی ام را معنا نبود

سرچشمه زندگانی، مهدی موعود

السلام عليك يا عين الحياة

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

تشکر و قدردانی

پس از حمد الهی بر خود لازم می دانم از اساتید محترمی که در طول تحصیل از محضر مبارکشان کسب فیض نمودم به خصوص از استاد گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر امیر دیوانی - دام ظلّه - که به عنوان استاد راهنما با ارشادات ارزشمند در شکل گیری و تدوین پایان نامه نقش مهمی ایفاء فرمودند و نیز از اساتید گرامی جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود موسوی و جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر عسکری سلیمانی امیری که به عنوان اساتید مشاور با طرح نکات سودمند در تکمیل این نوشتار عنایت فرمودند کمال سپاس و امتنان را داشته باشم. همچنین از مسؤولین دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام کمال تشکر و قدردانی و نهایت سپاس را دارم.

از خانواده گرامی ام که با تحمل سختی ها یاری در پیشرفت مراحل زندگی بوده اند نهایت تشکر را دارم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

مقدمه: طرح تحقيق

۱- بیان مسأله

ما چیستیم؟ چرا هستیم؟ موجودات چرا هستند؟ اگر نبودیم چه می‌شد؟ جایگاه ما کجاست؟ به کجا رهسپاریم؟ ثمره‌ی کاری که انجام می‌دهیم چه خواهد بود؟ فردا چه می‌شود؟ ثمره‌ی تمام زندگی چه خواهد شد؟ زندگی چه لزومی دارد؟ چرا خواستار چیزی شویم؟ چرا به انجام کاری پردازیم؟ این همه اضطراب و افسردگی و تنهایی، ترس و نومیدی، خشم و نزاع برای چیست؟ از این پرسش‌ها شاید با غفلت بتوان گذشت اما هشیاران را متوقف و به خود مشغول می‌دارد. به راستی پاسخ این پرسش‌ها را کجا می‌توان یافت؟

«معنای زندگی» یکی از مهمترین موضوعات دینی، فلسفی و روانشناختی است. فقدان معنای زندگی به احساس پوچی و سردرگمی می‌انجامد. درک هدفمندی و داشتن سیری عقلانی برای زندگی معنادار ضروری است و معنای زندگی بازتابی از اهداف ارزشمند است. ارزش اصیل با سرشت انسانی و آنچه به شکوفایی آن می‌انجامد مرتبط است. «معنای زندگی» به هر عنصری که تحلیل و منتهی شود، آن عنصر در راستای وجود انسان، استعدادها و توانایی‌های اوست؛ ملاصدرا انسان‌شناسی را اصل و پایه‌ی همه‌ی معارف و پرسش‌های بنیادین می‌داند.

به نظر برخی روانشناسان، انسانی‌ترین نیاز که همان نیاز به معنایابی زندگی است توسط جامعه صنعتی برآورده نشده و انسان با ارزش‌هایی که از رهگذر سنت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند بیگانه شده است.

از قرن هفدهم، دانشمندان از علل غایی روی برتافتند و هدف علم را در تبیین حوادث طبیعی، پیش‌بینی، ضبط و مهار رویدادها منحصر کردند. احساس بی‌نیازی از علل غایی، به غلط منجر به نفی غایت شد. این مغالطه سرانجام خیلی را به بی‌معنایی زندگی در جهانی بی‌هدف کشاند که مسؤول آن شک‌گرایی و تجربه‌گرایی و یا همان زوال اندیشه دینی بود.

برای پرداختن به معنای زندگی باید دید زندگی چیست؟ هدف انسان از زندگی چیست؟ معنای زندگی، کشف کردنی است یا جعل کردنی؟ اگر قائل به معنایابی زندگی باشیم این معنا از چه طریقی یافتنی است؟

از دیدگاه ملاصدرا دستگاه عقل از مراتبی برخوردار است که اکتفا بر مراتب نازل، انسان را از حقیقت باز داشته و در تفسیر حقایق از جمله معنای زندگی او را به خطا می‌کشاند. در این حال است که انسان به جای کشف حقیقت معنای زندگی، به جعل معنای زندگی در محدوده‌ی دنیا دست می‌زند. انسان در این وضعیت، به همان معنای مجعول که متناسب با سطح درک اوست راضی و خشنود است و آن را دلیل کافی برای زندگی می‌داند. اما از آنجا که دستگاه عقل دارای مراتبی است در صورت انتقال فرد از مرتبه‌ی مادون به مرتبه‌ی مافوق دیگر آن معنای مجعول نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای معنای زندگی او باشد.

از معنای زندگی سه معنا اراده می‌شود:

۱- ارزش زندگی: ارزش زندگی به چیست؟ آیا زندگی ارزش ذاتی دارد یا ارزش خود را از اموری دیگر گرفته است؟ امور ارزش‌بخش به زندگی کدامند؟

۲- کارکرد زندگی: کارکرد و نقش زندگی انسان در جهان چیست؟ نتایج و آثار زندگی در یک نقشه کلی چیست؟

۳- هدف زندگی: هدف زندگی گاه به معنای هدف خلقت و آفرینش است و گاه مراد از هدف زندگی، هدفی است که انسان در زندگی دارد. این هدف از درون انسان برخاسته یا توسط خالق او ترسیم شده است؟

هدف‌داری خدا از خلقت، با اشکالاتی روبرو شده که اندیشمندان را به پاسخ‌های متفاوت واداشته است. یکی از اشکالات، تقابل هدف‌داری با صفات کمال خدا همچون غنای مطلق، بساطت، قدرت و ... می‌باشد. برخی با تفکیک هدف فعل و هدف فاعل به پاسخ برخاسته‌اند. ملاصدرا با تمایز فعل مطلق و فعل مقید جوابی ارائه کرد که به قول خود تا زمان وی جوابی مفیدتر از آن طرح نشده بود.

ملاصدرا، غایت حقیقت انسانی را فناء فی الله می‌داند. هدف، این است. هر سلوکی برای غایتی است و آن غایت، به سلوک معنا می‌دهد. بحث غایت که نقش محوری در مسأله‌ی «معنای زندگی»

دارد هم در اخلاق و مباحث ارزشی و عملی ملاصدرا مطرح شده هم در بحث معاد و نیز در بحث علیت و علت غایی. در علت غایی، غایات مطرح است. این غایات در طول هم هستند تا منتهی شود به غایت غایات.

مباحث ملاصدرا صرفاً فلسفی نیست. او از کلام به فلسفه گذر می‌کند و از فلسفه به عرفان و سپس حکمت متعالیه و در نهایت به دین می‌رسد. جمع بندی آراء صدرا از حیث اصول و مبانی فلسفی و رهیافت حکمت او به قرآن و روایات در بحث معنای زندگی اهتمام این پایان نامه است.

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

عنوان معنای زندگی از عناوین جدیدی است که مباحث جدی و جدیدی را در دنیای اندیشه به خود اختصاص داده است. در میان اندیشمندان اسلامی چنین عنوانی مطرح نبوده است. گرچه برخی مسائل آن، تحت دیگر عناوین در لابلاهای مباحثی همچون علت غایی، نفس، سعادت، معاد و ... طرح گشته است.

به تصریح و تأکید فیلسوفان و روانشناسان، معنای زندگی یکی از مهمترین موضوعات حوزه اندیشه است. مخصوصاً در جوامع صنعتی امروز با کم‌رنگ شدن سنت‌ها و زوال اندیشه دینی، احساس پوچی و سردرگمی، آزاردهنده‌تر نمایان شده است.

غناوندیشیه‌ی دینی و فلسفی دانشمندان اسلامی همچون ملاصدرا، توان حل معضلات فکری بشر از این دست را دارد. حکمت صدرایی با عمق و گستره‌ای که دارد ظرفیت پاسخ‌گویی به مباحث جدید در اکثر حوزه‌های اندیشه را داراست.

۳- سابقه پژوهش

موضوع این پایان‌نامه یعنی «معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا» هیچ سابقه‌ی پژوهشی ندارد به جز چند مقاله یا پایان‌نامه که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. خدا و معنای زندگی، عسکری سلیمانی امیری، نقد و نظر، ش ۳۲-۳۱.
۲. معنای زندگی از دیدگاه قرآن و عترت در اندیشه حکمت متعالیه، فاطمه کوحسنلو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۸.

۳. معنای زندگی در حکمت متعالیه، مسعود آذربایجانی. (مقاله چاپ نشده).
۴. معنای زندگی در فلسفه اسلامی با محوریت نظرات صدرالمتألهین، علیرضا موفق (مقاله چاپ نشده).
۵. معنای زندگی یا هدف زندگی؟ دیدگاهی صدرایی، حمیدرضا آیت‌اللهی، حکمت متعالیه و تدبیر منزل، اول خرداد ۱۳۸۷، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران.
- مبحث «معنای زندگی» نیز سابقه‌ی چندانی در میان عناوین فلسفی و کلامی ندارد. بیشتر آثار موجود در این زمینه، صرف نظر از تعداد محدودی از مقاله‌های تألیفی، ترجمه‌ی آثار مغرب زمین یا نقدها و مباحث ناظر به همان ترجمه‌ها می‌باشد.
- فصلنامه «نقد و نظر» چند شماره‌ای به «معنای زندگی» اختصاص داده است. آثار دیگری نیز در حد ترجمه موجود است. چند پایان‌نامه نیز در این زمینه نگاشته شده است که مشخصات آن‌ها در فهرست منابع آمده است.

۴- سؤال اصلی پژوهش

معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا چیست؟

۵- سؤالات فرعی پژوهش

۱- عوامل معناداری یا بی‌معنایی زندگی چیست؟

۲- رابطه‌ی معنای زندگی با دین چیست؟

۳- معنای زندگی کشف کردنی است یا جعل کردنی؟

۶- فرضیه‌های پژوهش

۱- از نظر ملاصدرا زندگی معنا دارد به سه معنا: هدف، ارزش، کارکرد.

۲- از نظر ملاصدرا سه معنای هدف، ارزش و کارکرد زندگی نه تنها مانعة الجمع نیستند، بلکه

هماهنگ بوده و ریشه در ویژگی‌های انسان دارند.

۷- پیش فرض های پژوهش

- ۱- حیات (زندگی) مراتب و اقسامی دارد: حیات نباتی، حیوانی، انسانی، حیات دنیوی، اخروی.
- ۲- انسان دارای درجات مختلفی است: انسان حسی، خیالی، وهمی، عقلی، شهودی.
- ۳- وجود مبدأ و معاد و جاودانگی نفس.
- ۴- اصول حکمت متعالیه صدرایی (حرکت جوهری نفس، اتحاد عاقل و معقول و ...).

۸- اهداف پژوهش

با انتخاب این موضوع به دو هدف عمده می توان دست یافت:

- ۱- دستیابی به پاسخی در خور اعتنا به یکی از مهمترین مسائلی که به نوعی میان همه مردم مطرح است یعنی معنای زندگی.
- ۲- شناخت بهتر یکی از مفاخر علمی جهان اسلام و آگاهی از ظرفیت بالای اندیشه او برای پاسخ به مسائل فکری و فلسفی.

۹- سازمان دهی پژوهش

نظم منطقی بخش های این رساله بدین ترتیب است که در آغاز، «معنای زندگی» به لحاظ معناشناختی مورد بحث واقع می شود. تعریف انسان و زندگی او از دیدگاه صدرالمآلهین بخش بعدی را تشکیل می دهد. سپس با طرح اصول حکمت متعالیه صدرایی به هدف انسان از زندگی می پردازد. در بخش بعد با توجه به دو معنای دیگر معنای زندگی، یعنی ارزش زندگی و کارکرد زندگی به این دو مبحث پرداخته می شود.

عوامل پوچی و نقش دین در معناداری زندگی از جمله مباحثی است که مترتب بر بخش های پیش تر است. با طرح مبانی فلسفی ملاصدرا و توضیح معنای زندگی از دیدگاه او در فصول پیشین، عوامل پوچی پاسخ خود را می یابد.

فصل اول: معناشناسی « معنای زندگی »

قبل از شروع مطلب، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که «معنای زندگی» یک بحث تأسیسی از طرف اندیشمندان اسلامی و صدرالمتهلین نیست تا برای آن فصلی در فصول کتاب‌های ایشان بجوییم. خاستگاه این عنوان، در فلسفه جدید غرب است. از این رو، شاید نتوان همین عنوان را در نوشته‌های فیلسوفان مشهور در تاریخ فلسفه غرب به صورت منظم و دنبال شده یافت. اما به هر حال آنچه در ذیل بحث‌های این عنوان در نوشته‌های جدید می‌آید، در نوشته‌ها و اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان، از جمله صدرالمتهلین به صورت منسجم و نظام‌مندی آمده است.

در این فصل که به معناشناسی «معنای زندگی» معنون است بیشتر به طرح نظرات نویسندگان غربی پرداخته تا فضای بحث روشن شود؛ آنگاه در فصول بعدی انظار و اندیشه‌های ملاصدرا آورده شده تا پاسخ‌هایی ناظر به مباحث مذکور از میان کلمات وی استنباط و استخراج گردد.

«معنای زندگی» و فروغ کمرنگ آن

هر چند دغدغه معنا یا دغدغه دست‌یابی به زندگی معنادار، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های وجودی آدمی است که از اعماق وجود او برمی‌خیزد، اما همان‌طور که اشاره شد، بحث معنای زندگی نزد پیشینیان تحت این عنوان مطرح نبود. آنچه بیشتر مطمح نظر فیلسوفان بود بحث سعادت و خوشبختی و اخلاق بود. از قرن بیستم برخی اندیشمندان از جمله فیلسوفان تحلیلی سعی کردند تا نشان دهند که معنای زندگی یکی از مقوله‌های هنجاری در زندگی آدمی است و از دیگر مقوله‌های هنجاری مانند خوشبختی و اخلاق متمایز است به گونه‌ای که نمی‌توان آن را به این مباحث تحویل برد. چه بسا زندگی فردی قرین خوشبختی اما بدون اخلاق یا معنا باشد. شاید هم زندگی فردی دیگر در عین اخلاقی بودن، از خوشبختی بی‌نصیب و از معنا تهی باشد.

در صورتی که بتوانیم مقوله‌ی سعادت و خوشبختی یا اخلاق را از مقوله‌ی معنا جداسازی کنیم، آنگاه جای این سؤال هست که «معنای زندگی» با این اهمیت، تا جایی که برای تأمین یک

زندگی خوب در کنار «اخلاق» و «سعادت» نشسته است، چرا به شایستگی طرح و بسط نیافته و بیشتر شبیه مردابی راکد است تا بحث زنده روز.^۱ درباره‌ی عدم بسط و شکوفایی بحث معنای زندگی علل مختلفی بیان شده است:

۱- ابهام در پرسش معنای زندگی:

پرسش «معنای زندگی» خود فاقد تعریفی دقیق و روشن است. کسی که از معنای زندگی سخن می‌گوید دقیقاً دنبال چیست؟ ابهام در این پرسش باعث شده تا فیلسوفان به بحث از خوشبختی، بهزیستی، اخلاق و عمل صواب تمایل و رضایت بیشتری نشان دهند تا بحث از معنای زندگی. بسیاری از فیلسوفان تحت تأثیر دیدگاه‌های کانتی درباره اخلاق، معنای زندگی را به اخلاق یا سعادت تقلیل داده‌اند.^۲

۲- بی‌معنا شمردن پرسش معنای زندگی:

وقتی پرسش معنای زندگی در جامعه بشری رخ نمود بعضی آن را بی‌معنا شمردند. مثلاً گروهی مانند پوزیتیویست‌ها آن را غیر منطبق با معیار تحقیق‌پذیری دانستند^۳ و برخی آن را اشتباه مقولی شمردند؛ زیرا که زندگی، هویت زبانی نیست تا بتوان معنا را به آن نسبت داد.^۴

۳- پاسخ نداشتن پرسش معنای زندگی:

برخی چنین پنداشتند که اگر دست‌یابی به معنای زندگی متوقف بر شناخت انسان و خداوند است، پس پرسش معنای زندگی همواره بی‌پاسخ خواهد ماند؛ زیرا شناخت جامع انسان به طور وافی امکان ندارد. اگر معنای زندگی در گرو شناخت هدف خدا از آفرینش است، باز سؤال از معنای

۱ - تدئوس متز، آثار جدید درباره معنای زندگی، محسن جوادی، نقد و نظر، ش ۲۹ - ۳۰، سال هشتم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۶۷.

۲ - همان.

۳ - همان، ص ۲۹۲.

۴ - اعظم پویا، معنای زندگی، چاپ اول، تهران، نشر ادیان، ۱۳۸۶، ص ۱۹ (مقاله مسیحیت و معنای زندگی، فیلیپ ال کویین).

زندگی بی جواب می ماند؛ زیرا شناخت هدف خدا برای بشر با محدودیت‌هایی که دارد امکان‌پذیر نیست.^۱

زمینه های طرح مسأله «معنای زندگی»

چرا و چگونه بحث «معنای زندگی» رخ نمود؟ زمینه‌های پیدایش آن چیست؟ باید توجه داشت که گرچه عنوان «معنای زندگی» عنوانی جدید است؛ اما اصل مسأله و محتوای آن قدمتی به درازای عمر بشر دارد؛ به ویژه «هدف زندگی» بیشتر از دیگر مسائل «معنای زندگی» مورد بحث بوده است. در اینجا به دو عامل عمده و زمینه‌ساز برای پرسش «معنای زندگی» اشاره می‌کنیم:

۱- تفکر عقلانی انسان درباره‌ی محتوای زندگی بحث معنای زندگی را پیش کشیده است. تا انسان تفکر عقلانی نداشته باشد به این نمی‌اندیشد که برای چه زندگی می‌کند. به همین جهت، پرسش معنای زندگی برای افرادی مطرح است که ژرف‌اندیشی بیشتری دارند. وقتی افراد، با رشد عقلانی، کمی از غوطه‌وری در زندگی بیرون آمده، از سطح زندگی معمولی‌شان بالاتر می‌روند و نگاه متعالیانه به زندگی می‌کنند، بحث معنای زندگی برای آنها مطرح شده و اهمیت می‌یابد.

پس بحث از معنای زندگی ناشی از عطش سرشار انسان به حل راز هستی و چرایی وجود است. انسان در طلب معنای زندگی در پی ارائه تبیین معقولی از چرایی زندگی است که این طلب نیز خود از سؤال دیگری ناشی می‌شود که چرا چیزی هست، به جای آنکه نباشد؟ چرا وجود و نه عدم؟^۲ البته اصل این پرسش در جهت کشف راز وجود است اما وقتی به پرسش از وجود خود می‌رسیم، وارد مقوله‌ی معنای زندگی می‌شویم.

۲- یکی از زمینه‌های اصلی که موجب مطرح شدن بحث معنای زندگی می‌شود، مواجه شدن انسان با رنج‌ها، تلخی‌ها، کاستی‌ها و شکست‌ها است. این امور از قدیم بشر را درگیر کرده است لذا مسائل معنای زندگی، کم و بیش از گذشته‌ی دور مطرح بوده است.

۱ - رک: محمدرضا بیات، دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، پایان نامه دوره دکتری رشته کلام، دانشگاه قم، ۱۳۸۶، ص ۱۸ (به نقل از نیلسن و آیر).

۲ - امیر عباس علیزمانی، معنای معنای زندگی، نامه حکمت، سال پنجم، ش ۱، ۱۳۸۶، صص ۷۱ - ۷۲.